

پاسخ به
۲۰ پرسش
کودکان و نوجوانان
درباره امام مهدی علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

بیست پرسش و پاسخ کودکان و نوجوانان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده:

محمد یوسفیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بیست پرسش و پاسخ کودکان و نوجوانان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مشخصات کتاب

سرشناسه:یوسفیان، محمد، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور:بیست پرسش و پاسخ کودکان و نوجوانان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف/ محمد یوسفیان.

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:۷۲ ص.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۸۸-۸

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده:بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج). مرکز تخصصی امامت و مهدویت

رده بندی کنگره:BP۲۲۴/۴/ی۹ب۹ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۶۷۴۴۳

ص:۱

اشاره

بیست پرسش و پاسخ کودکان و نوجوانان درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مؤلف: محمد یوسفیان

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

نوبت چاپ: اول/ بهار ۱۳۹۲

شابک: ۸-۸۸-۶۲۶۲-۶۰۰- ۹۷۸

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹- ۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶)/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس:۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

- قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) استان قم، خیابان انقلاب، کوچه ۵، فرعی۹، پلاک۱۰۹، ص.پ: ۳۷۱۳۵۱۱۳۵

www.mahdi۳۱۳.com

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، عبدا... شریفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، رضا فریدی (صفحه آرا)، عباس فریدی (طراح جلد) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

حسین احمدی

کد فایل ۰۹۲۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

ص:٣

تقدیم به:

برادر شهیدم که واقعاً عاشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

فهرست مطالب

سخنی با مربیان و معلمان و والدین

نتیجه تربیت دینی صحیح نوجوان، اعتقاد قلبی عمیق او به آموزه های دینی است. هر قدر تربیت دینی قوی تر بوده، و به اصطلاح روان شناسان درونی شده باشد، دین داری فرد نیز پایداری بیشتری خواهد داشت. امام علی علیه السلام می فرماید:

«ثَباتُ الدّینِ بِقُوّه الیقینِ؛(۱) پایداری در دین به قوت یقین است.»

همچنین آن حضرت می فرماید:

«بِالیقینِ تَتِمّ العِبادَه؛(۲) عبادت، با یقین کمال می یابد.»

نکته مهم این است که یقین، چیزی غیر از علم(شناخت) محض است؛ از این رو، نباید آن را با معلومات دینی و انباشتن آنها در ذهن یکسان دانست. حفظ کردن و به خاطر سپردن امور و آگاهی از آنها هیچ گاه به معنای یقین به آنها نیست. یقین، مرتبه ای از معرفت است که به شدت با عمل و احساس، پیوند دارد؛ چه با وجود یقین است که شک از قلب و روح آدمی رخت برمی بندد.با این بیان، جای تعجب نیست که

ص:۷

۱- غررالحکم، ج۳، ص ۳۵۰.

۲- غررالحکم، ج۳، ص ۲۰۱.

کسی عالم دین باشد،اما این علوم در عمل و احساس او بروز نیابد و در هنگامه های خطیر،تردید او را فرا گیرد.

پرسش گری از آغاز آفرینش انسان،به عنوان راهی برای رسیدن به یقین بوده و هست.امام علی علیه السلام چه زیبا می فرماید:

«مَنْ أَحْسَنَ السُؤالَ عَلِم»(۱) و «مَن عَلِم اَحْسَنَ السُؤالَ»(۲)

«آن که پرسش نیکو کند آگاه می شود» و «آن که آگاه است پرسش نیکو کند»

به هر روی پاسخ گویی مستدل و هنرمندانه به پرسش های دینی دانش آموزان و نوجوانان، کارکردهای زیر را در پی دارد:

۱. زدودن غبار مهجوریت از سیمای مهدویت در عرصه فهم و باور دانش آموزان؛

۲. تجهیز نوجوانان مهدی باور در جهت رویارویی با تهدید ها از سوی ادیان و مکتب های رقیب؛

۳. اصلاح انحراف ها و انحطاط های ظاهر شده در رویکرد به آموزه مهدویت در میان نوجوانان و دانش آموزان.

آنچه مهم به نظر می رسد توجه به بایسته های پاسخ گویی به پرسش های مهدوی کودکان و نوجوانان است که به شما خوانندگان عزیز تقدیم می شود:

۱- عیون الحکمه و المواعظ، ص۴۲۴.

۲- عیون الحکمه و المواعظ، ص۴۲۴.

بایسته های پاسخ گویی به پرسش های مهدوی کودکان و نوجوانان

۱. رعایت اصل تدریج و پرهیز از شتاب زدگی در تبیین معارف مهدوی

فراینـد فهم و درک معـارف دینی، فراینـدی مسـتمر و تـدریجی است و نمی توان بـدون در نظر داشـتن موقعیت مناسب، برنامه معرفتی خاصـی را به صورت شـتاب زده به مرحله اجرا درآورد. این امر، نه تنها در مورد کودکان، که درباره بزرگ سالان نیز صـادق است. همچنین این مسـئله، نه تنها در مورد انسان های عادی، بلکه در تربیت اولیای الهی نیز رعایت شـده است...، حتی خداوند متعال رسول گرامی خود را از عجله در هنگام دریافت وحی باز می داشت، هر چند رسول خدا صـلی الله علیه و آله به دلیـل عشق و علاقه زیاد و با این انگیزه مقـدّس، به هنگام نزول وحی، شور مخصوصـی داشت که سـبب می شـد برای دریافت وحی عجله کنـد، ولی چون نفس عجله کردن، گـاه موجب بروز مشـکلاتی می شود، خداونـد به پیـامبرش فرمود: «وَ لَـا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِن قَبْلِ أَن یقْضَی إِلَیکَ وَحْیهُ»؛(۱) پیش از آنکه وحی قرآن تمام شود، نسبت به آن عجله مکن.

همچنین خداونـد متعال، آنجا که در تربیت اخلاقی مسـلمانان می خواهد آنان را از شـراب خواری و قماربازی منع کند، بدون شتاب زدگی و با نازل کردن آیات قرآن در چند مرحله، به تدریج آنان را با احکام شرعی شراب و قمار، آشنا کرده و به عمل به این احکام ترغیب می کند.

بنـابراین، اگر به کودکان و نوجوانان اجازه دهیم که برای کشف یک مطلب پیچیـده، وقت صـرف کننـد، به رشـد فکری آنان بیشتر کمـک کرده ایم تـا اینکه همـان مطلب را در مـدت زمـان کوتـاهی به آنـان بیـاموزیم. این سـرعت شـتاب زا، نه تنهـا در یادگیری معنادار و تربیت درونی کمکی نمی کند، بلکه خود موجب کندی یا توقف نیز می گردد.

۱- طه (۲۰)، آیه۱۱۴.

یکی از صاحب نظران امر تربیت در این باره می نویسد: «این مسئله را از گنجشک بیاموزید. بچه گنجشک وقتی پر درمی آورد، همان روز نمی پرد، بلکه مادر، او را به تدریج آموزش پرواز می دهد. در مرحله اول او را به اندازه یک متر به پرواز درمی آورد، دوباره خود می پرد پایین. باز مادر دو متر پایین تر می پرد. باز جوجه تلاش می کند که خود را به مادر برساند. به این صورت، گام به گام مهارت پرواز را به دست می آورد.»

البته یادآوری این نکته لازم است که نباید موضوع تدریج و پرهیز از شتاب زدگی در تبیین معارف دینی را با کندی و از دست دادن فرصت ها خَلط کرد. سرعت در تربیت به این معناست که مراحل تربیتی را، که با علم و کارشناسی تعیین شده اند، بدون از دست دادن وقت به اجرا درآوریم و فرصت ها را هدر ندهیم. امیرالمؤمنین علیه السلام در کلامی کوتاه مالک اشتر را از افتادن در ورطه عجله یا کندی و از دست دادن فرصت ها بازداشته و به پیمودن طریق وسط و سرعت بدون شتاب زدگی توصیه فرموده اند: «از عجله در مورد کارهایی که وقتشان نرسیده، یا سستی در کارهایی که امکان عمل آن فراهم شده برحذر باش.»(۱)

در پاسخ به پرسش های مهدوی دانش آموزان، توجه به اصل تدریج، حیاتی است. انتظاری نابه جاست که بخواهیم معارف غنی مهدوی را در پاسخ یک یا چند پرسش دانش آموزان تبیین کنیم.

۲. پاسخ دهی به همراه تبیین موضوع

به همان میزان که اکراه، اجبار، تحکّم و تحمیل، بی رغبتی و گریز دانش آموزان را در پی دارد، تبیین موضوع و روشن گری نسبت به دلیل و فلسفه آن، رغبت و علاقه او

۱- نهج البلاغه، نامه۵۳. و ایّاک و العَجَلَهَ بالأُمورِ قَبْلَ أوانَها، أو التَّسَقُّطَ فیها عِنْدَ امکانِها.

را به محتوا و پیام معارف مهدوی به دنبال خواهد داشت. آنگاه که دانش آموز از علت و دلیل مسئله ای آگاه نیست، آن را غیر علمی دانسته و به گونه ای از زیر بار آن شانه خالی می کند، ولی آنگاه که به حکمت و اسرار آن پی می برد، بدون نیاز به تأکید و الزام، آن را می پذیرد.

در قرآن کریم موضوع تبیین و روشن گری از چنان جایگاه تربیتی برخوردار است که خداوند متعال در آیات متعددی، تبیین آیات را زمینه ای برای ایجاد تقوا، تفکّر، تذکّر، تعقّل، تشکّر و هدایت معرفی کرده است. همچنین موضوع تبیین علل و روشن گری از چنان جایگاهی در نظام اسلام برخوردار است که محدث بزرگوار شیخ صدوق، کتابی قطور مشتمل بر روایات مربوط به علل احکام و وظایف دینی نوشته است. در تبیین معارف دینی برای نسل کنونی نیز اگر به جای تحکّم و اجبار در پذیرش یک مسئله معرفتی، به تبیین دقیق موضوع و علل و پیامدهای آن پرداخته شود، به جای ابتلا به عوارض آموزش تحمیلی، از نتایج ارزشمند معرفت خودجوش، درونی، ریشه دار و غیر وابسته به عوامل بیرونی، بهره مند خواهیم شد.

۳. تکرار متنوع و دلنشین پاسخ

تکرار مطلب، عامل مهمی در یادگیری و عمل به مقتضای آن است. بر همین اساس، یکی از شیوه های مرسوم در آموزش، شیوه تکرار است. امام خمینی قدس سرّه در تشریح دلیل تکرار قصه های قرآن می فرماید: «اینکه قصص قرآنیه مثل قصه آدم و موسی و ابراهیم علیهم السلام و دیگر انبیا مکرر ذکر شده برای همین نکته است که این کتاب، کتاب قصه و تاریخ نیست، بلکه کتاب سیر و سلوک الی اللّه و کتاب توحید و معارف و مواعظ و حکم است و در این امور، مطلوب تکرار است تا در نفوس قاسیه تأثیری کند

و قلوب از آن موعظت گیرد.»(۱)

در عین حال، این نکته حایز اهمیت است که اگر تکرار به صورت یکنواخت و ملامت آور صورت پذیرد، تداعی کننده نوعی تحمیل در دانش آموزان خواهد بود. دانش آموز این گونه تکرار را به منزله فشاری بیرونی تلقّی می کند که می خواهد او را به سمت خواسته های مربّی سوق دهد؛ بنابراین، لازم است مربی از شیوه هایی متنوع و دلنشین برای تکرار و تأکید مطالب مهم خود استفاده کند؛ از این رو، امام خمینی قدس سرّه در ادامه مطلب پیشین فرمودند: «به عبارت دیگر، کسی که بخواهد تربیت و تعلیم و انذار و تبشیر کند، باید مقصود خود را با عبارات مختلفه و بیانات متشتته، گاهی در ضمن قصه و حکایت و گاهی در ضمن تاریخ و نقل و گاهی به صراحت لهجه و گاهی به کنایت و امثال و رموز تزریق کند تا نفوس مختلفه و قلوب متشتته هر یک بتوانند از آن استفادت کنند.»(۲)

خداوند متعال نیز در قرآن کریم تکرار مطالب را با تنوع و تغییر توأم ساخته و زمینه دل نشینی پیام و محتوا را فراهم ساخته است. تعبیر «صرّفنا» در آیه (وَ لَقَدْ صَرَّفْنا فِی هَـذَا الْقُرْآنِ لِیذَّکَّرُواْ.) (اسراء: ۴۱)گویای همین مطلب است، چراکه «صرف» به معنای بازگرداندن چیزی از جهتی به جهت دیگر یا تغییر حالت آن به حالت دیگر است؛ بنابراین، قرآن کریم برای یادآوری مردم، از آیات و مثال های گوناگون و متنوعی بهره گرفته و هر چند همه آنها یک هدف را دنبال می کنند، ولی تنوع آنها دلنشینی پیام را برای مخاطب به ارمغان می آورد.

در تربیت اخلاقی نیز مربّی می تواند با استفاده از شیوه های گوناگون همچون پرسش، بیان تمثیلی، نقل داستان، قالب های هنری، موعظه، تشویق به مطالعه، بحث

۱- امام خمینی رحمه الله، آداب الصلاه، ص۱۸۷.

۲- امام خمینی رحمه الله، آداب الصلاه، ص۱۸۷.

و گفتگو و مانند آنها پیام خود را به صورت مکرر و دلنشین به دانش آموز ابلاغ نماید و بدین سان، پیام را از قالب و محتوای تحمیلی عاری گرداند.

۴. تبیین کیفی و پرهیز از سطحی نگری در پاسخ دهی

گرایش شدید جامعه شیعی به مباحث مهدویت سبب شده که شاهد سطحی نگری و کمیت گرایی در رویکرد به آموزه مهدویت باشیم. در حال حاضر، ساز و کارهای علمی و پژوهشی به گونه ای تنظیم شده اند که برنامه های کمّی را ارزشمند تلقی کرده و انجام آن را تشویق می کنند. از سویی دیگر، کمبود محققان و اندیشه وران کودک و نوجوان در حوزه مهدویت، بحران کمیت گرایی را تشدید کرده است.

بر اساس همین نگرش، گروهی می کوشند کارکردهای باور به آموزه مهدویت را قابل توجه قلمداد کنند و مثلاً گریه و اشک برای ظهور منجی را موجب «آرامش روحی» بنامند؛ از جمله با اشاره به آثار و برکات گریه کردن، بهانه اشک ریختن برای اهل بیت علیهم السلام را فرصتی مناسب برای پاکی نفس آدمی و زدودن آلایش های جان از عقده های انباشته زندگی می دانند و مثلاً برای بیمارشان تجویز می کنند که برای دستیابی به این فایده، به یاد آن حضرت باشند و اشک بریزند! البته آموزه مهدویت، واجد این فواید نیز هست، اما بسنده کردن به این فواید در برابر فواید اساسی دیگری که آموزه مهدویت برای بشریت دارد، به مثابه اکتفا کردن به عَرَض و رها کردن ذات آن است. به بیان دیگر، چون که صد آید نود هم پیش ما است و آموزه مهدویت می تواند چنین برکاتی هم داشته باشد، اما بسنده کردن به این مقولات، به واقع پایین آوردن اهمیت اندیشه مهدویت به مقوله ای اساطیری، احساسی و حتی عاطفی و خرافی است.

تکه پاره کردن ماهیت و برکات اندیشه مهدویت و قناعت کردن به سطوح نازل آن، همانند آن است که در جزیره ای گرفتار باشیم و در حالی که کشتی خوبی هم برای

گذر از این گرفتاری داریم، برای نجات از سرمای جزیره به تکه پاره کردن قطعات کشتی مبادرت کنیم و با سوزاندن چوب و الوار آن بگوییم فایده یک کِشتی آن است که ما را از سرما و برودت حفظ و صیانت کند!

اکنون باز هم می بینیم آموزه مهدویت به مسلخ سپرده شده و مُثله می شود. شهید مطهری، «شهادت هدف» را بزرگ ترین و دردناک ترین مرحله شهادت امامان معصوم علیهم السلام می دانست. وی پیرامون عاشورای حسینی چنین تعبیری دارد:

«امام حسین علیه السلام سه مرحله شهادت دارد: شهادت تن به دست یزیدیان، شهادت شهرت و نام نیک به دست بعدی ها و بالاخص متوکل عباسی و شهادت هدف(۱)».

۵. ارزیابی مستمر پرسش ها

همواره باید پاسخ ها را با اهداف مقایسه و در عمل نسبت به رفع ضعف های پاسخ اقدام نماییم، از نقادی های دلسوزانه دانش آموزان استقبال کنیم و در راستای اهداف و رسالت های پیش رو به نقادی و آسیب شناسی مستمر پاسخ های خویش بپردازیم.

آنچه مهم است علت یابی و ریشه شناسی برخی پرسش های دانش آموزان است. در طی این علت یابی و ریشه شناسی، چه بسا میان پرسش ها، نظام طولی و هرمی ای کشف شود، به گونه ای که شاید همه پرسش ها، معلول یک یا دو یا چند مسئله ناشناخته باشند که در رأس آن هرم و نظام طولی قرار دارند. در این صورت، در پاسخ دهی نبایستی خود را به معلول ها مشغول کنیم و باید به سراغ علت های اصلی برویم.

۶. عدم تعارض و تناقض در پاسخ دهی به پرسش ها

وجود دیدگاه ها و آرای مختلف در رویکرد به مسئله مهدویت، سبب شده است که دیدگاه های متفاوتی، تبلیغ و ترویج شود؛ به همین دلیل، ما همواره شاهد نوعی

ص:۱۴

۱- مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج۳، ص ۲۵۱.

تعارض و حتی تناقض در متون مختلف مهدوی هستیم، برای نمونه، مقوله علائم ظهور از مهم ترین مقوله های آموزه مهدویت است که اختلاف فراوانی پیرامون چگونگی پرداختن به آن در جامعه علمی وجود دارد.

۷. تمایز پرسش های مهم و مهم تر در پاسخ دهی

همیشه، انگشت نهادن بر پرسش ها و مسائلی که برخی کج اندیشان برای مردم پدید می آورند، در حقیقت مشغول شدن به مباحث انحرافی محسوب می شود. مربیان این عرصه، همواره باید مراقب باشند تا در دام نیفتند و شبه مسئله را مسئله نینگارند.

پرسش ها و نیازهای باورمندان به آموزه مهدویت، سلسله مراتبی دارند، به طوری که تا پایین ترین پرسش ها و نیازهای مهدوی برآورده نشوند، پرسش های رتبه دوم بروز نمی کنند. عدم توجه به سلسله مراتب نیازها و غفلت از اینکه مهم ترین نیازها و کمبود و کاستی های مهدی باوران چیست، خود یکی از مصادیق عدم تمییز مسئله از مسئله نماهاست و با واقع نگری منافات دارد.

۸. عدم پاسخ به پرسش های غیر ضروری و انحرافی

امروزه در جامعه به جای توجه به ظرفیت عظیم آموزه مهدویت، پرسش هایی مطرح می شود که یا اصلاً فایده ای ندارد و یا فایده اش آن قدر اندك است که به هیچ روی پاسخ دادن را توجیه نمی کند؛ برای نمونه، پرسش از مکان زندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نوع پوشش آن حضرت، چگونگی قیافه و هیکل حضرت، ازدواج یا عدم ازدواج حضرت، فرزندان و همسران ایشان و... نمونه پرسش هایی است که دانش آموزان پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح می کنند که به هیچ وجه نبایستی متعرض آن شد.

۹. دوری از زمانه زدگی در پاسخ به پرسش ها

نباید نو آوردن و نو گفتن را، هر چه که باشد، بالذات ارزشمند انگاشت، برخی امروز، حتی در فهم و بیان آموزه مهدویت، تابع حوادث و اتفاقات روز هستند؛ برای نمونه،

ص:۱۵

دانش آموزان پرسش های فراوانی را پیرامون عصر ظهور و اتفاقات آن زمان می پرسند. در پاسخ به این پرسش ها به هیچ وجه نباید رفاه و عدالت و آسایش و آرامش مردم در عصر ظهور را با استفاده از فناوری و تکنولوژی جدید مقایسه کرد.

۱۰. دوری از پاسخ های مبهم در پاسخ گویی به پرسش ها

شرط لازم آگاه کردن نوجوانان از حقایق و رسوخ دادن باورهای مهدوی به ذهن و ضمیر آنان، سود جستن از گفتاری است که حتی المقدور از ابهام، ایهام و غموض، پاک و پیراسته باشد. یک معلم و پژوهشگر در حوزه پاسخ دهی، در عین حفظ اصالت و عمق هر رأی و فکر، می تواند آن را به واضح ترین صورت ممکن، یعنی با نزدیک ترین بیان به مرتبه فهم دانش آموز، به او انتقال دهد. اگر دو یا چند پزشک بر سر بالین بیماری به زبانی چنان فنّی و تخصصی سخن بگویند که خود بیمار کلمه ای از آن را نفهمد باکی نیست، زیرا به هرحال، حاصل این تبادل نظرها توصیه دارو و درمانی است که بدون اینکه بیمار، اندک آگاهی ای از چیستی آن داشته باشد، تأثیر خود را بر بدن بیمار خواهد داشت؛ اما اگر دانش آموز از گفته ها و نوشته های معلم خود، چیزی سر در نیاورند، تشخیص ها و درمان های آنان، مسئله ای را حل و مشکلی را رفع نخواهد کرد؛ زیرا در اینجا تأثیر دارو و درمان متوقف بر آگاهی کسانی است که دارو و درمان برایشان توصیه می شود؛ از این رو، مربیان و اندیشه وران این حوزه نباید ثقل و صعوبت و غموض سخن را دلیل و علامت عمق آن تلقی کنند و سخنان دشوار و پیچیده و دیریاب را دست مایه فضل فروشی و تفاخر بدانند.

۱۱. پرهیز از پاسخ های کهنه به پرسش های جدید

در عین اینکه باید به ارزش میراث به جای مانده از پیشینیان توجه داشت و ارزیابانه و عالمانه بدان وفادار بود، و به دستآورد فکری اندیشمندان احترام گذاشت، و در مقام اصطیاد و گزینش یافته های معرفتی دیگران بود، خود نیز درصدد تأمل و تولید و ارائه

اندیشه های تازه و مستقل باشیم و به پرسش های جدید دانش آموزان، پاسخ های نو و جدید بدهیم.

۱۲. ضرورت مخاطب شناسی در پاسخ دهی

روحیه، سن، جنس، منطقه، نژاد، مذهب و سطح معلومات دانش آموزان در پاسخ دهی به پرسش های وی باید مدنظر قرار گیرد. برای نمونه، پاسخ دهی احساسی و عاطفی برای دانش آموز در گروه سنی خاصی یا جنسیت خاصی، اثرگذاری بیشتر دارد تا گروه سنی دیگری، یا دانش آموزی که در خانواده مذهبی می زیسته و در جلسات مذهبی رشد یافته است، پاسخی را می طلبد که قطعاً با دانش آموزی که در چنین محیطی رشد نیافته است، متفاوت خواهد بود.

۱۳. استفاده از مثال در پاسخ دهی

استفاده از «مثال» در گفتار و نوشتار، تأثیری اعجازگونه بر جان دانش آموز و نوجوان دارد، او را مدهوش می کند و مروارید درخشان حقیقت را بر ساحل فهم ادراک او می نشاند؛ در قرآن کریم نیز فراوان از «مثال» استفاده شده است؛ برای نمونه خدای متعال مَثَل کسانی که غیر خدای متعال را سرپرست خود بر گزیدند، را همانند مَثَل عنکبوتی می داند که برای خود خانه ای ساخته؛ که البته سست ترین خانه ها، خانه عنکبوت است.(۱) در جایی دیگر خدای متعال، یهودیان مدینه را بسان دراز گوشی می داند که کتاب هایی بر او حمل می کنند،(۲) زیرا یهودیان مدینه، ویژگی های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را در تورات می خوانده اند و پیوسته از ظهور آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دادند، ولی آنگاه که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم با آن ویژگی ها و نشانه ها ظاهر گردید به جای این که در ایمان

۱- سوره عنکبوت، (۲۹)، آیه۴۱.

۲- سوره جمعه (۶۲): آیه۵.

به وی پیشگام باشند؛ به انکار نبوت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم پرداختند.

امیر سخن، امام علی علیه السلام نیز فراوان از «مثال» در سخنانش استفاده می کرد. آن حضرت دعوت کننده بدون عمل را بسان تیرانداز بدون کمان می داند. و در جایی دیگر دنیا را چون مار سمی می داند که ظاهری زیبا دارد، انسان جاهل از آ ن گریزی ندارد ولی انسان عاقل از آن می هراسد. به هر روی استفاده از مثال، پاسخ دهی در گفتار و نوشتار را درای چند ویژگی می سازد:

۱. گفتار و نوشتار را زیبا و دل نشین می کند، نه تنها آن را ملال آور نمی کند که دانش آموز را بر سر نشاط می آورد و شیفته همراهی می سازد.

۲. نزدیک ترین مسیر ممکن را برای رسیدن به هدف، به دانش آموز القا می کند.

۳. گفتار و نوشتار را دارای انعطاف و تنوع می سازد و از یک نواختی دور می سازد، گاه دانش آموز را به سکوتی عمیق می کشاند؛ گاه تند، گاه آرام ره می پیماید؛ گاه خلاصه و عمیق می شود و گاه مفصّل و عریض.

۴. گفتار یا نوشتار را دارای حرکتی نا محسوس می کند؛ دیگر حرکت خود رافریاد نمی زند، بلکه به آرامی ره می سپارد تا از مقصد سر برآورد.

شرح فواید و ضرورت های استفاده از مثال در نوشتار سخن را نمی توان در این تنگنا به قلم آورد. راقم این سطور با اطلاع از کارکرد های استفاده از مثال در نوشتار یا گفتار در پاسخ دهی به پرسش های دانش آموزان از مثال فراوان استفاده کردم تا فهم مفاهیم مهدوی برای آنها راحت تر و شیرین تر شود.

در این نوشتار از سخنان بزرگوارانی چون شهید آیت الله مطهری، آیت الله حائری شیرازی و حجج اسلام استاد محسن قرائتی و رنجبر و... استفاده شده است.

اکنون که این نوشتار به پیشگاه خوانندگان تقدیم می شود، امید آن دارم که طبع مشکل پسند ارباب فضل، نتیجه کار را بپسندند و کاستی های احتمالی را بر ما ببخشند، هم چنین مراتب اشتیاق و نیاز خود را نسبت به دریافت نظرها و دیدگاه های

خوانندگان محترم ابراز می دارم و در پایان از آقایان: حجج اسلام مهدی یوسفیان، محمدرضا نصوری، صادقی، امیرمحسن عرفان و سیدمحمدحسن مهدوی نیا که در تمام مراحل، مشوّق این حقیر بودند، تشکر می نمایم.

ص:۱۹

۱. آیا ما به امام و راهنما نیاز داریم؟

دوستان خوبم سلام، وقتی قلم به دست گرفتم تا به پرسش های شما درباره امام زمان علیه السلام پاسخ دهم بسیار خوشحال شدم و از این که می توانستم با زبان قلم با شما درباره امام زمان علیه السلام ارتباط برقرار کنم، خدا را شکر می کنم و از او می خواهم که در این راه مرا یاری کند تا بتوانم به زبان شما عزیزان به پرسش های قشنگ و دقیق شما، پاسخ مناسب بدهم.

اما این که پرسیده ای چه نیازی به امام و راهنما داریم، به این پرسش از راه های گوناگون می توان پاسخ داد و ضرورت و نیاز به امام را ثابت نمود، اما با توجه به این که در پاسخ به تمام پرسش ها تصمیم گرفته ام از مثال و تشبیه استفاده کنم تا پاسخ به راحتی و به سرعت به شما منتقل شود به همین خاطر، در پاسخ به این پرسش نیز، از مثال زیبایی که از یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام هشام در کتاب های حدیثی بیان شده استفاده می کنیم.

جمعی از یاران امام صادق علیه السلام اطراف حضرت نشسته بودند که در میان آنها، هشام که تازه به جوانی رسیده بود نیز حضور داشت.

امام صادق علیه السلام به هشام فرمود: ای هشام! خبر نمی دهی که با عَمرو بن

عبید چه کردی و از او چه پرسیدی؟ هشام گفت: متوجه شدم که عمرو بن عبید در بَصره،(۱) کلاس درس گذاشته، به همین خاطر به طرف بصره حرکت کردم و در روز جمعه به آن جا رسیدم. وقتی به آن جا رسیدم، دیدم جمعیت زیادی در مسجد جمع شده اند و مردم پرسش های خود را از عمرو می پرسند. از میان جمعیت خود را به جلو رساندم و سپس به عمرو گفتم: آیا چشم داری؟

گفت: پسر جان! این چه پرسشی است؟ چرا از چیزی که خودت می بینی، می پرسی؟

گفتم: پرسش من همین است، آیا چشم داری؟

گفت: گرچه پرسشت احمقانه است، اما... آری! چشم دارم.

گفتم: به چه کارت می آید؟

گفت: با آن، رنگ ها و آدم ها را می بینم و تشخیص می دهم.

گفتم: بینی هم داری؟ گفت: آری.

گفتم: به چه کارت می آید؟ گفت: با آن بوها را استشمام می کنم.

گفتم: آیا دهان نیز داری؟ گفت آری.

گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت غذا می خورم و مزه آن را می چشم.

گفتم: گوش داری؟ گفت: آری.

گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: صداها را می شنوم.

۱- بصره یکی از شهرهای عراق است.

گفتم: آیا قلب(۱) داری؟ گفت: آری

گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: هر آنچه اعضا و حواسم درک می کنند را به وسیله قلب، از همدیگر جدا می کنم و آنها را تشخیص می دهم.

گفتم: مگر این اعضای حسی (چشم و گوش، بینی) تو را از قلب بی نیاز نمی کنند؟ گفت: نه.

گفتم: چطور بی نیاز نمی کنند و حال آن که همه، صحیح و سالم اند؟

گفت: پسر جان! وقتی آنها در چیزی شک داشته و سرگردان شده باشند، در تشخیص و شناسایی آن به قلب مراجعه می کنند تا برایشان یقین حاصل شود و شک و سرگردانی آنها از بین برود.

گفتم: آیا خداوند، قلب را برای برطرف شدن شک و دودلی از حواس، قرار داده است؟

گفتم: آری.

گفتم: پس قلب باید موجود باشد، وگرنه برای حواس، اطمینان و یقینی حاصل نمی شود؟

گفت: آری.

گفتم: ای عمرو! خداوند، حواس تو را بی امام، رها نکرده و برای آنها، امامی قرار داده است تا چیزی که صحیح و درست است را آشکار کند و

۱- قلب در این جا می تواند به معنای قوه عاقله، محل ادراک و شعور و مغز باشد.

شک و تردید آنها را به یقین تبدیل نماید. حال چگونه این همه انسان را در شک و سرگردانی رها نموده و امامی بر ایشان قرار نداده تا آنان رااز شک و تردید، خارج سازد؟

عمرو مدتی سکوت کرد، سپس رو به من کرد و گفت: اهل کجایی؟ پاسخ دادم: کوفه.

گفت: پس تو هِشام بن حَکمی!

در این هنگام امام صادق علیه السلام خندید و فرمود: ای هشام! چه کسی این مطلب را به تو آموخته است؟

هشام گفت: چیزی است که از شما یاد گرفته ام.

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم، این مطلب در کتاب ابراهیم و موسی، نوشته شده است.

پس نور چشمان! همان گونه که خداوند در بدن انسان مرکزی را قرار داده تا به وسیله آن، اعضای بدن هدایت و راهنمایی شوند، به همان شکل در زمین، امام، حجت و راهنمایی قرار داده است که موجوداتی که از جمله آنها ما انسان ها هستند را امامت و رهبری کند و راه درست و صحیح را به آنها نشان دهد و با پیروی و اطاعت از او، راه درست و صحیح را انتخاب کنند.

آنها که امام ندارند راه هایی در زندگی انتخاب می کنند که آن ها را به سعادت و خوشبختی نمی رساند، اما اگر انسان امام زمان علیه السلام داشته باشد، راه

درست و صحیح را به او نشان می دهد، امام زمان علیه السلام تمام راه های خوشبختی و سعادت را در دنیا و آخرت را برای ما بیان می فرماید به شرطی که حرف او را گوش دهیم و از او اطاعت کنیم.

ص:۲۴

۲. چرا امام زمان علیه السلام مخفیانه به دنیا آمدند؟

یکی از پیامبرانی که داستان تولد جالبی دارد، داستان تولد حضرت موسی علیه السلام است. فرعون خواب دید نوزادی از بنی اسرائیل به دنیا آمده و حکومت او را نابود خواهد کرد، با پریشانی از خواب بیدارشد و دستور داد هر پسری که به دنیا می آید را بکشند. مادر موسی علیه السلام باردار بود، خداوند بارداری او را از چشم دشمنان مخفی کرد، به همین دلیل حضرت موسی علیه السلام به خواست خداوند مخفیانه به دنیا آمد و بعد از به دنیا آمدن به دستور خداوند، مادرش او را در صندوقی گذاشت و در رود نیل رها کرد و به دنبال آن حرکت کرد تا ببیند چه اتفاقی می افتد تا این که مأموران کاخ فرعون، صندوق را از آب گرفتند و آن را پیش فرعون بردند، تا دید پسر بچه ای داخل آن است اول تصمیم گرفت که او را بکشد، اما خداوند محبت موسی علیه السلام را در دل فرعون و زنش انداخت و تصمیم گرفتند او را به عنوان فرزند خود بزرگ کنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر امامان علیهم السلام بشارت تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را قبل از میلاد آن حضرت علیه السلام داده بودند و فرموده بودند کسی به دنیا می آید که جهان را پر از عدل و داد می کند و به حساب تمام ستمگران و ظالمان می رسد، به همین

خاطر، خانه امام حسن عسکری علیه السلام را محاصره کرده بودند تا اگر پسربچه ای در خانه آن حضرت علیه السلام به دنیا آمد آن را بکشند.

اما به خواست خداوند همان طور که حضرت موسی علیه السلام در میان دشمنان مخفیانه به دنیا آمد، امام زمان علیه السلام نیز در محاصره دشمنان و در حالی که در منزل آن ها، جاسوس گذاشته بودند که اگر زنی باردار است به آن ها خبر دهد، آن حضرت علیه السلام در حالی که هیچ علامت بچه دار شدن در مادرشان معلوم نبود، مخفیانه به دنیا آمدند و باز هم دشمنان خدا و اسلام فهمیدند که نور خدا را نمی توانند خاموش کنند.

ص:۲۶

۳. شنیده ام امام زمان علیه السلام در پنج سالگی به امامت رسیده اند، چگونه ممکن است کسی در پنج سالگی امام شود؟

به نظر شما چه سنی مناسب است که امامتِ امامی آغازشود؟

شاید بگویید در سن سی تا چهل سالگی.

حال پرسش بعدی را می پرسم و آن این که چرا این سن را برای شروع امامت مناسب می دانید؟

شاید بگویید: برای این که فرصت باشد مقدار بیشتری علم و تجربه به دست آورد تا امامت بهتر اداره شود.

از این پاسخ شما معلوم می شود که پرسش از امامت در کودکی زمانی مطرح می شود که ما امامت امام را با مقامات و پست های انسان ها مقایسه می کنیم، در صورتی که امامت مانند نبوت و پیامبری از طرف خداوند به بندگان برگزیده و شایسته خود بخشیده شده و چون همه چیزش از طرف خداست، سن و سال در آن دخالتی ندارد و به همین خاطر شما می بینید به غیر از امام مهدی علیه السلام که در نهم ربیع سال ۲۶۰ هجری قمری در پنج سالگی به امامت رسیدند قبل از آن امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام در سن هفت سالگی به امامت رسیدند و این امر یعنی امامت در سن کودکی نه

ص:۲۷

فقط در امامان ما که در پیامبران گذشته هم اتفاق افتاده است، چون همان گونه که بیان شد هم امامت و هم نبوت از طریق خداوند تعیین می شود و به سن و سال ارتباطی ندارد که لازم باشد مدتی را درس بخواند و استاد ببیند و یا تجربه به دست آورد، بلکه در همان لحظه اول که پیامبری و امامت از طرف خداوند به آنها داده می شود، هر آن چه برای پیامبری و امامت لازم است نیز به آنها داده می شود.

دوستان خوب، حضرت عیسی بن مریم علیها السلام پیامبری است که از هنگام تولد، نبوت و پیامبری خود را به طور آشکار بیان نمود. در قرآن می خوانیم:

« قَالَ إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتَانِی الْکتَابَ وَجَعَلَنِی نَبِیًّا»(۱)

[حضرت عیسی علیه السلام در حالی که کودک بود] گفت: من بنده خدا هستم، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است.

حضرت یحیی علیه السلام یکی دیگر از پیامبرانی است که در کودکی به مقام نبوت رسید. خداوند در این باره در قرآن خطاب به او فرمود: « یَا یَحْیَی خُذْ الْکتَابَ بِقُوَّهٍ وَآتَیْنَاهُ الْحُکمَ صَبِیًّا»(۲) ای یحیی! کتاب[خدا] را با قوّت بگیر. ما فرمان نبوت را در کودکی به او دادیم.

۱- مریم ( )، آیه ۳۰.
۲- مریم ( )، آیه۱۲.

۴. چرا امام زمان علیه السلام غایب شد؟

می دانم چقدر دلت برای امام زمانت تنگ شده و دوست داری او را ببینی و از این که غایب است، ناراحت و غمگین هستی و برای ظهور و فرج او دعا می کنی.

اگر از شما پرسیده شود که چرا حضرت یوسف علیه السلام غایب شد تا جایی که آن قدر پدرش حضرت یعقوب علیه السلام در فراق او گریه کرد که بینایی چشم خود را از دست داد، چه می گویید؟

آیا حضرت یوسف علیه السلام خودش دوست داشت این طور شود؟

آیا حضرت یعقوب علیه السلام این طور خواسته بود؟

پاسخ پرسش های گفته شده را می دانی. به خاطر ظلم و ستمی که برادران یوسف علیه السلام در حق او داشتند، میان یوسف علیه السلام و یعقوب علیه السلام جدایی انداختند و خودشان نیز از نعمت یوسف علیه السلام محروم شدند و خداوند یوسف علیه السلام را از آنها گرفت.

امامان بزرگوار ما نیز به دست مسلمانان گرفتار شدند نه به دست کافران، مانند حضرت یوسف علیه السلام که به دست برادرانش گرفتار شد نه دشمنان.

کسانی که مسلمانان بودند امامان ما را خانه نشین کردند و در نهایت آن ها را به شهادت رساندند؛ به همین خاطر خداوند آن ها را از ظهور آخرین امام، محروم ساخت تا دست از بی ادبی و ظلم به امام بردارند.

برای مثال، چراغ را برای روشنایی و گرما، نزد کودک می گذاریم، اما او از روی جهالت و نادانی به آن سنگ می زند. برای آن که بچه به چراغ آسیب نزند آن را برمی داریم. برداشتن چراغ، دلیل ترس و ناتوانی در برابر کودک نیست و از قدرت او نمی ترسیم، بلکه از خطا و اشتباه او می ترسیم؛ البته اگر چند لامپ و چراغ داشته باشیم، ممکن است آن را برنداریم و در صورت آسیب دیدن آن، چراغ دیگری بیاوریم.

ولی اگر فقط یک چراغ باقی مانده باشد، آن را از دسترس بچه دور می کنیم تا نشکند.

امامان بزرگوار ما مانند چراغ های هدایتی هستند که خداوند در مسیر انسان نصب کرده است که اثر اشتباه و خطای گذشتگان، یازده تن از آنها به شهادت رسیدند و یکی از آن ها که امام زمان علیه السلام است باقی مانده و خداوند برای جلوگیری از اشتباه ما که به آن آسیبی نزنیم، آن حضرت علیه السلام را از دیدگان ما غایب ساخته است و تا هنگامی که مردم پی به این اشتباه خود نبرند و احساس نکنند که به امام نیاز دارند، غیبت آن حضرت علیه السلام همچنان ادامه می یابد و از ظهور خبری نیست.

۵. چگونه می توانم از امام زمان علیه السلام در حالی که غایب است، استفاده ببرم؟

آیا تا به حال به خورشید در حالی که پشت ابر است، نگاه کرده ای؟

آیا حالتی که خورشید را نمی بینی، خورشید حاضر است یا غایب؟

آیا هنگامی که خورشید پشت ابر است، گرمای آن به زمین می رسد؟

آیا در این حالت، زمین تاریک است یا روشن؟

آیا ابرها برای همیشه جلوی خورشید را می گیرند؟

بعد از آن که به پرسش های بالا با دقت پاسخ دادی، بسیار مناسب است که پاسخ پرسشی که پرسیده ای را از زبان مبارک خود امام زمان علیه السلام بشنویم:

«وَ أَمّا وَجْهَ الْإنْتِفاعِ بی فی غَیبتی فَکا لْإنْتِفاعِ بِالشَّمسِ إِذا غَیَّبَها عَنِ الْأَبصارِ السّحَابُ»(۱)

خوب به معنای حدیث دقت کن، امام زمان علیه السلام می فرماید:

استفاده و بهره مندی از من در زمان غیبتم همانند بهره بردن از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از چشم ها بپوشانند.

۱- شیخ طوسی، الغیبه، ص۲۹۲.

در این حدیث شریف، امام زمان علیه السلام خود را در زمان غیبت همانند خورشید در پشت ابر مثال می زنند و می فرمایند: چگونه است که شما از خورشید پشت ابر استفاده می برید همان گونه ازمن نیز در غیبت بهره مند می شوید.

درست است زمانی که قرص خورشید پشت ابر است و ما خورشید را نمی بینیم، اما ندیدن خورشید به این معنا نیست که از گرما و نور خورشید نمی توانیم استفاده کنیم و گرما و نور آن به ما نمی رسد و باز به این معنا نیست که خورشید برای همیشه در پشت ابر باقی می ماند.

امام زمان علیه السلام در زمان غیبت نیز همین گونه هستند، درست که با چشم سر ایشان را نمی توانیم ببینیم، اما از وجود و حضور ایشان همه موجودات مانند خورشید استفاده می برند و زمانی نیز فرا خواهد رسید که ابر غیبت کنار خواهد رفت و ایشان ظهور خواهند کرد.

ص:۳۲

۶. بهترین کار در زمان غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟

از همان دوران کودکی و نوجوانی بایـد اهل تلاش و کوشـش شویم، خداوند از آدم تنبل و بیکار بدش می آید و در عوض، کسـی که کوشـش می کند را بسیار دوست دارد. پیامبر عزیز صلی الله علیه و آله و سلم نیز هر موقع کسی را می دید که بیکار است ناراحت می شدند.

کارهایی که، انجام می دهیم، بعضی از آن ها مهم است و بعضی این طور نیست.

برای مثـال، این که هر روز نماز می خوانیم این خیلی مهم است و اگر کسـی آن را انجام ندهـد، خـدا و پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم از دست او ناراحت می شوند.

بهترین کار و عمل از میان کارهایی که باید انجام دهیم، انتظار ظهور امام زمان علیه السلام است.

ممکن است بپرسی که منتظر آمدن کسی بودن که کار نیست؟

بله، اگر انتظار را این گونه معنا کنیم کار نیست، یعنی گوشه ای بنشینیم و هیچ کار نکنیم.

اما عزیزان، انتظار امام زمان علیه السـلام معنایش این نیست. همان طور که انتظار آمـدن مهمان را این طور معنا نمی کنید. اگر قرار باشد مهمانی به خانه شما

بیاید، آیا همه در خانه آرام ننشیند و هیچ کاری نمی کنند.

کسانی که منتظر آمدن مهمانی هستند از قبل خانه را آب و جارو می کرده، غذا آماده می کنند، وسایل خانه را مرتب کرده و لباس های تمیز و نو می پوشند و کارهای دیگری که لازم است انجام می دهند، این معنای انتظار است.

اگر منتظر آمدن بهار هستیم، الان که زمستان است این طور نیست که از سرما بلرزیم و اتاق خود را گرم نکنیم یا منتظران طلوع خورشید فردا در شب در تاریکی به سر ببرند و اتاق را روشن نکنند.

کسی که منتظر آمدن امام زمان علیه السلام است از همین امروز باید به مقدار توان خود، برای آمدن امام زمان علیه السلام زمینه ساز می کند.

امام زمان علیه السلام هنگامی که ظهور کنند، می خواهند همه، اهل خوبی ها شوند، پس از هم اکنون باید خوبی ها را که خودشان و امامان قبلی گفته اند انجام دهیم.

ص:۳۴

۷. چگونه امام زمان علیه السلام عمری هزار ساله دارند؟

خدا را شکر که خداوند به امام زمان علیه السلام عمر طولانی داده تا دراین زمان ما هم امام داشته باشیم، اگر این طور شده بود که بعد از امام یازدهم دیگر امامی نباشد و در نزدیک ظهور، امامی به دنیا بیاید و بعد از آن امام باشد، برای ما خیلی بد می شد، دیگر نه امامی داشتیم و نه امیدی.

الان امام مهدی علیه السلام ما زنده و حاضر است، فقط ظاهر نیست؛ یعنی فقط ما او را نمی بینیم، اما می توانیم به وسیله قلبمان با او ارتباط داشته باشیم و هر روز بر او سلام کنیم و از او کمک بخواهیم و او هم به یاد ما هست و ما و تمام دوستانش را کمک خواهد کرد.

مهدی باوران عزیز، آیا تا کنون به انواع موهایی که در سر و صورت می روید، دقت کرده اید؟

با این که تمام این موها در یک سر و صورت هستند، اما موهای سر زیاد رشد می کنند، اما موهای ابرو کمتر و موهای مژه از آن هم کمتر. و از طرف دیگر موهای سر زودتر از موهای ابرو و مژه سفید می شوند و حتی موهای مژه ممکن است تا آخر عمر اصلاً سفید نشود، در حالی که همه در یک سر و صورت هستند.

ص:۳۵

بنابراین، خداوند این چنین اراده فرموده که در یک سر و صورت، یکی زود رشد کند، یکی دیرتر، یکی زود سفید شود و دیگری اصلاً سفید نشود.

عمر انسان نیز همین گونه است. گاهی اراده و قدرت خدا به این می شود که به بعضی عمر طولانی دهد مانند حضرت نوح علیه السلام که عمری بیش از هزار سال داشت یا اصحاب کهف که خوابی سیصد ساله داشتند، همان خدا اراده فرموده که به امام زمان علیه السلام عمری طولانی دهد و تا فراهم شدن زمینه ظهورش او را زنده نگه دارد.

همچنین اگر از شما بپرسند ما چند امام داریم و آنها را چه کسی معرفی کرده چه می گویید؟

درست است، امامان بزرگوارما دوازده نفر هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تک تک آنها را معرفی فرموده که اول آنها امام علی علیه السلام است که در غدیر خم به همه معرفی کردند و بعد از آن امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و نه امام دیگر از نسل امام حسین علیه السلام می باشند.

همچنین از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام بیان شده که امام مهدی علیه السلام آخرین امام است که زنده خواهد بود و دارای غیبت طولانی است و هم اوست که بعد از آن غیبت طولانی، ظهور می کرده و زمین را پر از عدل و داد می کند.

پس نتیجه می گیریم امام مهدی علیه السلام مُنجی و نجات دهنده ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بشارت و وعده آن را داده اند، پس او امام دوازدهم و منجی زنده

ص:۳۶

در جهـان است و تا موقعی که ظهور کنـد و همه مردم جهان را از دست سـتمگران نجات دهـد و حکومت اسـلامی را در تمام زمین اجرا کند، عمر خواهد کرد، هر چند، چند هزار سال طول بکشد.

ص:۳۷

۸. چرا دشمنان قصد کشتن امام زمان علیه السلام را دارند؟

بچه های عزیز، امامان ما همه به دست دشـمنان کشـته شدند و به شـهادت رسیدند، به همین خاطر، خداوند امام دوازدهم، امام مهدی علیه السلام را از جلوی چشم آن ها دور کرد تا نتوانند او را هم به شهادت برسانند.

چرا دشمنان امامان ما را شهید کردند و حتی الان اگر دستشان به امام مهدی علیه السلام برسد او را نیز به شهادت می رسانند، مگر امامان ما، انسان های خوبی نبودند؟

مگر آن ها دارای اخلاق و رفتار بسیار خوبی نبودند؟

مگر آن ها دوست دار بچه ها و همه انسان ها نبودند؟

پس چرا امامان ما مورد بی احترامی و اذیت دشمنان واقع شدند؟

چون زرنگ و باهوش هستی و می دانم که زود متوجه می شوی، پاسخت را با توجه به یک داستان قرآنی بیان می کنم:

همه شـما داسـتان حضـرت یوسف علیه السـلام را خوانده یا شنیده اید؟ حال از شما می پرسم، چرا برادران یوسف علیه السلام آن حضرت را از پدر دور کردند و او را در چاه انداختند؟

آیا حضرت یوسف علیه السلام گناهی کرده بود؟

آیا حضرت یوسف علیه السلام با برادرانش بدرفتاری کرده بود؟

آیا حضرت یوسف علیه السلام با پدرش یعقوب علیه السلام خوب رفتار نکرده بود؟

هیچ کدام از این ها نبود و حضرت یوسف علیه السلام هیچ گناه و خطایی نکرده بود، اما عزیزان، برادران یوسف علیه السلام به خاطر کمالات و خوبی هایی که حضرت یوسف علیه السلام داشت با او دشمنی کردند و می گفتند که او پیش پدرمان از ما عزیزتر است و باید کاری کنیم که از جلوی چشم پدر دور شود و یا حتی او را بکشیم یا در چاهی بیندازیم تا افرادی او را بگیرند و به جای دوری ببرند.

بنابراین، حضرت یوسف علیه السلام به خاطر کمالات و خوبی هایی که داشت مورد محبت و علاقه پدرش حضرت یعقوب علیه السلام و مورد دشمنی برادرانش قرار گرفت، و او را از جلوی چشم پدر غایب کردند و قصد داشتند او را بکشند.

فکر کنم با این مثال یکی از علت هایی که دشمنان امامان را شهید کرده اند را فهمیده باشی و این که چرا قصد کشتن امام مهدی علیه السلام را دارند.

بله عزیزان، امامان ما انسان های بسیار خوب و ممتاز بودند که از طرف خداوند برای هدایت و راهنمایی انسان ها انتخاب شده بودند، به همین خاطر هم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیار آن ها را دوست داشت و دیگران را نیز سفارش می فرمود که به آن ها احترام گذاشته و آن ها را دوست داشته باشند و از آنها اطاعت کنند، به همین خاطر، دشمنان به خاطر کمالات و خوبی هایی که امامان داشتند و محبتی و دوستی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آن ها داشت با آنها

دشـمنی کردند و آن ها را به شـهادت رسانیدند و الان هم اگر دستشان به امام مهدی علیه السلام برسد او را نیز به شهادت می رساننـد. امـا خداونـد همان گونه که حضـرت یوسف علیه السـلام را از شـرّ برادرانش نجات داد و او را پادشاه کرد، امام زمان علیه السلام را نیز حفظ خواهد کرد و او را سلطان و رهبر تمام جهان خواهد کرد.

دوسـتان خوبم این را هم بدانید که در طول تاریخ ما همیشه هابیل و قابیل هایی داشـته ایم، موسی ها و فرعون هایی داشته ایم، ابراهیم ها و نمرودهایی داشـته ایم، به عبارتی، همیشه در طول تاریـخ عـده ای درون جبهه حق بوده انـد و عده ای نیز در جبهه باطل، و این دو گروه همیشه با هم ستیز و جنگ دارند، و طبیعی است که سران و رهبران جبهه باطل و ظلم و ستم به هیچ وجه حضور و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نمی توانند قبول کنند، گرچه آن امام، قیام و مبارزه علنی و آشکار هم نداشته باشد. امام زمانی که قرار است با تشکیل حکومت اسلامی جهانی، همه جا را پر از عدل و داد و رفاه و برادری کند، اینها کارهایی است که ظالمان و سـتمگران اصـلاً آن را دوست ندارند و هرکس را هم که دنبال این کارها باشد با او مخالفت می کننـد، چـون منـافع سـتمگران در ظلم کردن و بی عـدالتی است و همـان گونه که امـام علی علیه السـلام تصـمیم داشـتند حکومتی بر اساس عدل و مساوات تشـکیل دهند او را شـهید کردند، هرکس دیگری که چنین قصدی داشته باشد با او دشمنی خواهند کرد.

ص:۴۰

۹. چه کاری هایی امام زمان علیه السلام را خوشحال می کند؟

دوست مهربـان هزار آفرین بر تو، که در این سن و سـال به دنبـال کـاری هستی که امام زمانت را خوشـحال کنی، هرکس امام زمان علیه السـلام را خوشـحال کنـد، خـدا را خوشـحال کرده است و چه کاری بزرگ تر از خوشـحالی خـدا و امام زمان علیه السلام .

امام زمان علیه السـلام با کارهایی که ما انجام می دهیم خوشـحال شده و یا خدای ناکرده ناراحت می شود، بنابراین، هر کاری که می خواهی انجـام دهی، اول دقت کن و ببین امام زمان علیه السـلام آن کار را دوست دارد و او را خوشـحال می کنـد و یا کاری است که او دوست ندارد.

بچه های باادب و باتربیت را در مهمانی دیده ای؟

وقتی شـربت، شیرینی و شکلات جلوی آن ها گرفته می شود، پیش از آن که چیزی از آن ها بردارد، به پدرش نگاه می کند و از نگاه او می فهمد که بردارد یا نه؟

امام زمان علیه السـلام مثل پدر برای همه ماست، هر کاری که انجام می دهیم، اول بدانیم که آیا او راضی است که آن کار را انجام دهیم یا نه؟ که اگر امام زمان علیه السلام راضی باشد، خدا راضی است و سعادت و خوشبختی همین

است.

بنابراین، اگر دوستت گفت: این سی دی را بگیر و در خانه تماشا کن، اول از او بپرس، داخل سی دی چیست؟ ممکن چیزی در آن باشد که امام زمان علیه السلام دوست نداشته باشد تو ببینی، یا اگر تصویر یا فیلمی را خواست برای تو بلوتوث کند، اول آن را کنترل کن، تلفن همراه تو، نشانه شخصیت توست.

مثلاًـ اگر امام زمان علیه السلام در مقابل تو باشد، می توانی تمام پیامک ها و تصاویر و فیلم های موبایل خود را به حضرت نشان دهی و خجالت نکشی؟

ما به عنوان نوجوان منتظِر وظیفه داریم که همیشه رضایت امام زمان علیه السلام را همراه خود داشته باشیم، رضایت ایشان بر هر کاری مقدّم است.

به این نکته هم توجه داشته باشیم که کارنامه کارهای ما هر هفته به امام زمان علیه السلام نشان داده می شود و همان گونه که ما نگرانی و ترس داریم تا پدر و مادر از نمره های بد ما در کارنامه خبردار نشوند، بایستی مواظب باشیم هنگامی که کارنامه اعمال ما به حضرت علیه السلام نشان داده می شود در آن دروغ، غیبت، بی توجهی به نماز و... در آن نباشد.

با خودت فکر کن آیا امام زمان علیه السلام از نماز اول وقت خواندن تو خوشحال می شود یا این که در آخر وقت آن هم با عجله بخوانی؟ آیا خوش اخلاق بودن تو با خانواده و دوستان و همسایگان امام زمان علیه السلام را خوشحال می کند

ص:۴۲

یا بداخلاقی با همه آنان؟

اگر بی حجابی و نگاه به نامحرم امام زمان علیه السلام را ناراحت می کند پس آن ها را انجام نده.

ص:۴۳

۱۰. وقتی کار خوبی انجام می دهم، چگونه امام زمان علیه السلام می بیند و برایم دعا می کند؟

درود بر شما که همیشه دنبال خوبی ها هستی و از بدی ها بیزاری. سعی کن تا آخر عمر همین حالت را نگه داری که امام زمان علیه السلام که خود آقای خوبی هاست تو را می بیند و خوشحال می شود و برایت دعا می کند.

دوستان خوبم، یکی از راه های شناخت خدا، دقت و فکر کردن در موجوداتی است که خدا آفریده است که یکی از آن موجودات انسان است که اشرف و بهترین مخلوق و آفریده خداست. یکی از قسمت های مهم بدن انسان مغز اوست که فرمانده بدن است، و تمام اعضا با مغز ارتباط دارند و از آن جا دستور می گیرند.

خوب است بدانید که دانشمندان می گویند بدن انسان از پنجاه تریلیون(۱) سلول تشکیل شده است، که این عدد، پنچی است که سیزده صفر جلوی آن باشد و سلول در بدن مانند آجرهایی است که به وسیله تک تک آن ها،

۱- برای این که بزرگی این عدد را متوجه شوید، حساب کنید اگر بخواهیم این عدد را بشماریم و شمارش هر عدد یک ثانیه طول بکشد، چه زمانی لازم است تا این عدد شمارش شود.

ساختمان ساخته می شود.

این تعداد زیاد سلول در حالی که هر کدام کاری می کند و وظیفه ای دارد، ولی همه آنها زیر نظر مغز هستند و همه پیام هایی که دریافت می کنند به مغز می دهند و از آن جا دستور می گیرند؛ مثلاً اگر به سرانگشت شما سوزنی برخورد کند در همان لحظه، سلول های آن قسمت این پیام را به مغز منتقل کرده و آن را حساس می کنند و از آن جا دستور می گیرند که چه کاری باید انجام دهند.

حتی اگر در یک لحظه به قسمت های مختلفی از بدن سرسوزنی برخورد کند، پیام همه آن ها به مغز منتقل شده و مغز حساس می شود و پیام همه آن ها را می گیرد و دستور می دهد که چه کاری انجام دهند.

همه انسان ها نیز به امام زمان علیه السلام متصل هستند و همه تحت ولایت و فرماندهی او هستند. بنابراین، تو دوست خوب امام زمان علیه السلام هنگامی که کار خوب می کنی، در همان لحظه امام متوجه می شود، هر کجا که می خواهی باش، پس کاری کن که همیشه پیام های خوبی از طرف تو به امام زمان علیه السلام فرستاده شود.

ص:۴۵

۱۱. اگر کســی کاری کرد که امام زمان علیه الســلام ناراحت شد، آیا دیگر حضــرت به او نگاه نمی کنند و پاسخ او را نمی دهند؟

ارتبـاط تو بـا پـدر و مادرت چگونه است؟ از این که دوسـتدار امام زمان علیه السـلام هستی معلوم می شود که ارتباط خوب و صمیمی با پدر و مادر خود داری، چون می دانی که محبت و احترام به پدر و مادر، دسـتور قرآن است و امام زمان علیه السلام بسیار بر آن تأکید دارند، اما اگر حواست نبود و کاری کردی که پدر یا مادرت را ناراحت کردی چه اتفاقی می افتد؟

ممکن است لحظاتی از دست تو ناراحت شوند، ولی هر چه باشد شـما فرزند و جگر گوشه آن ها هستید و در حالی که ممکن است در درون خود و قلب خود ناراحت باشـند، اما زیاد به روی خود نمی آورند و با یک عذرخواهی کوچک شما، همه چیز درست می شود.

امام زمان علیه السلام از پدر و مادر بسیار مهربان تر است، از هر دوستی، صمیمی تر و رفیق تر است.

امام زمان علیه السلام همانند باران است که بر سر همه موجودات زمین می بارد و هر موجودی به اندازه خودش از آن رحمت خدایی استفاده و بهره می برد.

اما خدای ناکرده، اگر خطا و اشتباهی هم از روی نادانی و حواس پرتی

اتفاق افتاد، دقت داشته باشیم که از امام زمان علیه السلام دور نشویم و دوباره برای جبران خطا و اشتباه نزد او برویم.

آیا در هایی را که چشم الکترونیکی دارند دیده ای؟

وقتی به آن نزدیک شوی و در مقابل آن قرار گیری در باز می شود. برای در، هیچ تفاوتی نمی کند چه کسی هستی و از کجا می آیی، کوچک هستی یا بزرگ، سفیدی یا سیاه، هر چه باشی به روی تو گشوده می شود.

امام زمان علیه السلام نیز، هر کسی که به او رو کند، او را می پذیرد و آغوش خود را به روی او می گشاید، حتی آن هایی که به امامان علیهم السلام ظلم کرده بودند، وقتی از کار خود پشیمان می شدند و پیش آن ها می رفتند، امامان مهربان ما، آن ها پذیرفته و به آن ها کمک می کردند.

بنابراین، همه وقت و در هر حالی که هستیم باید به درِ خانه امام زمان علیه السلام برویم و از آن ها دور نشویم و اگر خدای ناکرده با انجام کاری آن حضرت علیه السلام را ناراحت کرده ایم در فکر جبران آن برآییم و کاری کنیم که موجب خوشحالی و رضایت آن حضرت علیه السلام شود.

ص:۴۷

۱۲. من از کجا بفهمم دوست امام زمان علیه السلام هستم و او نیز مرا دوست دارد؟

خوشا به حال آن ها که دوستان خوبی دارند و خوشا به آن ها که دوستان خوب خود را نگه می دارند، از این که به دنبال این هستی که با امام زمانت دوست باشی و دوستی و محبت او را نیز نسبت به خودت ایجاد کنی، خوشحال شدم.

امامان بزرگوار ما در گفتار و عمل، دوستی خود را ثابت کرده انـد. امام رضا علیه السـلام در این باره می فرمایند: امام، رفیق و همنشـینی همیشـگی و همراه است، او پدری مهربان، برادری واقعی، مادری نیکوکار به فرزند کوچک خود و پناهگاه مردم در مشکلات و مصیب های بزرگ است.(۱)

شما که امام زمان علیه السـلام را دوست داری چقدر به یاد او هستی؟ اما ببین امام زمان علیه السلام چقدر به یاد ماست، ایشان می فرمایند: من هرگز شما را فراموش نمی کنم و به یاد شما هستم.(۲)

بنابراین، قبل از این که ما رابطه دوستی و رفاقت را با او شروع کنیم،

۱- کافی، ج ۱، کتاب الحجه، ح ۱، ص۱۹۸.

۲- احتجاج، ص ۱۷۵.

امام زمان علیه السلام دوستی، رفاقت و مراقب از ما را عهده دار شده است.

حال جای این پرسش است که من از کجا بفهمم دوست امام زمان علیه السلام هستم؟

وقتی شما به برادر کوچکت می گویی: داداش گُلم دوستت دارم، او به تو می گوید: اگر راست می گویی یک بستنی برایم بخر!

از این حرف معلوم می شود که برادر و یا خواهر کوچک شما هم این را به خوبی می داند که دوستی، علاقه و عشق، علامت و نشانه دارد و نشانه آن انجام عمل و کاری است.

بنابراین اگر تو دوستدار امام زمان علیه السلام هستی باید کارهایی انجام دهی که امام زمانت آن را دوست دارد و از تو می خواهد و کاری را انجام ندهی که امام زمان علیه السلام از آن ناراحت می شود.

امام زمان علیه السلام نماز را دوست دارد و خود حضرت در حدیثی فرمودند: هیچ چیز همانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی مالد؛ بنابراین، وقتی نماز می خوانی به محبت و دوستی امام زمان علیه السلام نزدیک می شوی و همین طور هر وقت به پدر و مادر و معلم احترام می گذاری و هر وقت مواظب زبان خود هستی که کسی را با حرف هایت ناراحت نکنی یا غیبت کسی را نگویی یا هر کار خوب دیگری که هر چه بزرگ تر می شوی آن را یاد می گیری و عمل می کنی، همه این ها نشانه این است که امام زمانت را دوست داری.

ص:۴۹

خلاصه برای این که بدانیم چقدر امام زمان علیه السلام ما را دوست دارد، باید ببینیم که امام زمان علیه السلام چقدر در زندگی ما جا باز کرده است. آیا من به عنوان یک دانش آموز که منتظر امام زمان علیه السلام هستم، هر کس به رفتار و کردار من نگاه کند آیا من، رنگ و بوی امام زمان علیه السلام را می دهم؟ آیا مراقبت، توجه، خوش اخلاقی و خوش رفتاری را در من مشاهده می کند؟

آیا وقتی دیگران به من نگاه می کنند، دوستدار امام زمان علیه السلام می شوند یا نه؟

نکته پایانی این که اگر دانش آموزی تکلیف های خود را به موقع انجام دهد و در درس خواندن تلاش و فعالیت داشته باشد و احترام معلم و هم کلاسی ها و اطرافیان را داشته باشد، معلوم است که معلمش از دست او راضی است و او را دوست دارد.

امام زمان علیه السلام بهترین معلم است، سعی کنیم ما هم بهترین دانش آموز برای او باشیم.

ص:۵۰

۱۳. اگر کسی را که امام زمان علیه السلام را دوست دارد، خوشحال کنم، آیا امام زمان علیه السلام خوشحال می شوند؟

شاید بارها شده کاری انجام داده ای که هم کلاسی و دوستت را خوشحال کرده ای و این بسیار خوب است. مثلاً دوستت چند روز مریض شده و نتوانسته به کلاس بیاید و از کلاس عقب مانده، تو به او کمک می کنی تا خودش را به کلاس برساند و او خوشحال می شود و یا مهمان به خانه شما آمده و تو به پدر و مادرت کمک می کنی تا سریع تر کارها را انجام دهند و آن ها را خوشحال می کنی یا کسی دنبال آدرسی می گردد و حسابی خسته شده است و شما او را راهنمایی می کنید و کارهای خوب بسیار دیگری که شما انجام می دهی و دیگران را خوشحالی می کنی، همه این ها موجب خوشحالی خدا و امام زمان علیه السلام می شود، چون خوشحال کردن مومنان و بندگان خوب خدا، سفارش اسلام عزیز است.

اگر کسی برادر یا خواهر کوچک شما را خوشحال کند، خوشحال نمی شوی و از کسی که این کار را کرده تشکر نمی کنی؟

دوستان و دوستداران امام زمان علیه السلام نیز همین گونه هستند، وقتی شما یکی از آن ها را خوشحال کنی،امام زمان علیه السلام را خوشحال کرده ای.

ص:۵۱

داستان دوستان امام زمان علیه السلام با ایشان مانند داستان چاله آبی در همسایگی دریاست که از طریق جویی هر کدام از این چاله ها به دریا وصل انـد. اگر کاسه آبی از این چاله آب برداریـد یا به آن اضافه کنیـد این کم کردن یا اضافه کردن به خاطر ارتباطی که چاله آب با دریا دارد به دریا منتقل می شود.

وقتی شـما یکی از دوسـتان امـام زمـان علیه السـلام را خوشـحال کنی، از طریق ارتبـاطی که بـا امـام مهـدی علیه السـلام دارد، خوشـحالی او به امام زمان علیه السـلام منتقل می شود به غیر از آن که خودت نیز به خاطر ارتباطی که با حضـرت علیه السـلام داری این کار خوب تو نیز به حضرت علیه السلام منتقل می شود.

ص:۵۲

۱۴. آیا من می توانم از یاران امام زمان علیه السلام باشم؟

این که آرزو داری در صف یاران امام زمان علیه السلام باشی، بسیار آرزوی قشنگ و زیبایی است، اما این را بدان که برای هر فکر و آرزوی بزرگی باید زحمت و تلاش کرد.

نابرده رنج گنج میسر نمی شود   مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

اولین نکته در یاری حضرت مهدی علیه السلام این است که بدانی کار بزرگی می خواهی انجام دهی؛ بنابراین، باید برنامه ریز می کنی و خود را برای آن یاری بزرگ بسازی.

فلزی که در ساخت ماشین استفاده می شود با فلزی که در ساخت هواپیما استفاده می کنند کاملاً متفاوت است.

فلزی که در هواپیما استفاده می شود، بسیار مقاوم و سبک است و با دقت بسیار ساخته می شود، اما در ماشین این طور نیست، فکر می کنی علت آن چیست؟

این مطلب روشن است که هواپیما برای هدفی بزرگ تر از ماشین ساخته می شود و در فضایی خیلی بالاتر از ماشین حرکت می کند و اگر دقت در مواد و ساخت آن نشده باشد و در وسط آسمان عیب پیدا کند و خراب شود چه باید کرد؟

ص:۵۳

اما ماشین اگر در جاده خراب شد، آن را به کناری می برند و درست می کنند.

کسی که می خواهد یار امام زمان علیه السلام شود باید مواد و فلزی همانند فلز به کار رفته در هواپیما داشته باشد، چون برای هدف بزرگ و الهی و جهانی حرکت می کند.

همان طور که می دانید یک هواپیمای بزرگ از تکه های کوچکی که به هم وصل شده اند قسمتی از هواپیما را درست کرده اند و این قسمت ها به هم وصل می شوند و در نهایت هواپیمایی بزرگ را می سازند که هر کدام از این تکه های کوچک باید محکم و سالم باشند تا آن قسمت نیز سالم و صحیح باشد، و در نهایت، هواپیمایی سالم و محکم ساخته شود. منظورم از این توضیحات این است که من به عنوان یک دانش آموز منتظر اگر بخواهم از یاران امام زمان علیه السلام بشوم باید وظایف و مسئولیت هایی که بر عهده من است به خوبی انجام دهم، از هم اکنون اهل عبادت و انجام تکالیف خود باشم، همانند قطعه ای کوچک در هواپیما که باید محکم و سالم باشد؛ هم چنین در خانواده، بیشتر از دیگران به پدر و مادر و اطرافیان خود احترام بگذارم تا بتوانم در ارتباط با دیگران و جامعه هم، اهل تعاون و همکاری و کمک به دیگران باشم و اگر توانستم دیگران را نیز راهنمایی نمایم تا ان شاء الله با کمک هم دیگر بتوانیم خانواده ها و جامعه ای مهدوی و منتظر امام زمان علیه السلام داشته باشیم.

ص:۵۴

۱۵. آیا هر روز باید به یاد امام زمان علیه السلام باشیم یا فقط جمعه ها؟

همه شما می دانید که خورشید ثابت است و زمین به دور خورشید می گردد و هر طرف از زمین که رو به خورشید کند از نور خورشید استفاده می کند و نورانی می شود و به اصطلاح روز است، اما آن قسمت از زمین که پشت به خورشید است از نور خورشید، خودش را محروم کرده و تاریک بوده و به اصطلاح شب است؛ بنابراین، آن قسمت از زمین که شب است و تاریک و سرما، تقصیر خورشید نیست، بلکه به خاطر خود زمین است که پشت به خورشید کرده است و گرنه خورشید نورافشانی و گرمایش را بر همه موجودات پخش می کند و هیچ موجودی را فراموش نمی کند، این موجودات هستند که یا دور خود دیوار می کشند که نور به آن ها نرسد یا این قدر فاصله می گیرند که نور بسیار ضعیفی به آن ها می رسد یا اصلاً پشت به خورشید می کنند.

امام زمان علیه السلام همانند خورشید هستند که هیچ وقت ما را فراموش نمی کنند و از یاد نمی برند؛ بنابراین، ما هم اگر دوست داریم همیشه نورانی و اهل خوبی ها باشیم باید همیشه رویمان به سوی او باشد و او را فراموش نکنیم؛ بنابراین، توجه به حضرت علیه السلام فقط مخصوص روزهای جمعه

ص:۵۵

و در دعای ندبه نیست، بلکه هر روز و هر ساعت باید حواسمان به آن حضرت علیه السلام باشد. آن هایی که از حضرت امام مهدی علیه السلام دور می شوند یا به او توجه نمی کنند، گرفتار ظلمت و تاریکی و گناه می شوند و شیطان به سراغ آن ها می آید.

انسان منتظر و عاشق امام زمان علیه السلام مثل گل آفتاب گردان است که همیشه و پیوسته رو به طرف خورشید دارد، او نیز همیشه و در هر حالی به یاد امام زمانش می باشد و رو به سوی او دارد و همانند کودکی که امنیت و سلامت و سعادت خود را در کنار پدر و مادر بودن خود می داند، به همان شکل، سعادت و خوشبختی خود را در دنیا و آخرت در کنار و به یاد امام زمان علیه السلام بودن می داند و عاشق او می باشد و فراموشش نمی کند.

ص:۵۶

۱۶. چرا بعضی ها به حرف امام زمان علیه السلام گوش نمی دهند؟

زندگی ما انسان ها مثل جاده ای است که پر است از پیچ و خم های کوچک و بزرگ. کسی که در این مسیر و جاده قدم می گذارد باید خبر از پیچ و خم های آن داشته باشد وگرنه راه را گم خواهد کرد و به بیراهه خواهد رفت و ممکن است بعضی انسان ها دیگر فرصت برگشت به راه اصلی و درست را پیدا نکنند.

خداوند مهربان برای این که انسان ها راه را گم نکنند و در راه مستقیم حرکت کنند و پرتگاه های آن را بدانند قرآن و اهل بیت علیهم السلام را نشانه های این راه قرار داده است تا با نگاه کردن به آن ها مسیر و جاده صحیح را تشخیص دهند و سالم و سلامت به منزل برسند، همانند تابلوها و علائم راهنمایی و رانندگی که در جاده ها قرار می دهند که هر کدام به شکلی راننده را کمک می کند که از جاده ای که در آن رانندگی می کند، خبر داشته باشد، اگر در جلوی او پیچ خطرناکی است قبل از رسیدن راننده به آن جا، تابلویی قرار داده شده که به او می گوید سرعت خود را کم کند و حواسش جمع باشد یا اگر جاده لغزنده باشد، به او آگاهی می دهد.

حال این پرسش را از شما می پرسم: با اینکه این تابلوها و علائم

رانندگی در جاده است، پس چرا این قدر تصادف می شود؟

پاسخ آن مشخص است، این تابلوها برای کسی که به آن نگاه کند و عمل کند موجب راهنمایی و هدایت اوست، اما کسی که پایش را روی گاز ماشین گذاشته و به تابلوها و علائم اصلاً نگاه نمی کند و حتی شاید کسانی را هم که رعایت می کنند مسخره کند، دیگر فایده ای ندارد، این است که هم خودش تصادف می کند و هم دیگران را به زحمت می اندازد.

امامان قبلی ما و امام مهدی علیه السلام، پرچم ها و تابلوهای هدایت و راهنمایی در مسیر زندگی انسان ها هستند، برای کسی که دوستدار هدایت و حرکت در مسیر و جاده خداوند باشد و همان گونه که بعضی راننده ها دوست دارند سرعت غیرمجاز بروند و به تابلوها و علامت ها دقت نکرده و به حرف پلیس راهنمایی گوش نمی کنند، بعضی مردم نیز با این که امامان ما می خواهند آن ها را راهنمایی و کمک کنند تا راه سعادت و خوشبختی و بهشت را بروند، اما به حرف امامان گوش نمی دهند و راه شیطان که راه ظلم و ستم کردن به دیگران و غارت مال مردم و غیبت و تهمت زدن به آن هاست را می روند و همانند رانندگانی که با سرعت غیر مجاز و غیر قانونی رانندگی می کنند و سرانجام یا تصادف می کرده یا در کوه و دره ای سقوط می کنند، این ها هم سرانجام با حالت گناه و دوری از خدا در جهنم سقوط می کنند.

ص:۵۸

۱۷. چرا امام زمان علیه السلام تا کنون ظهور نکرده است؟

این که دوست داری امام زمانت هر چه زودتر ظهور کند، خیلی خوب است و معلوم می شود دوستدار خوبی ها هستی، اما این که امام زمان علیه السلام زودتر بیاید ما نقش مهمی در ظهور آن حضرت داریم، ما هستیم که باید مقدمات و زمینه های ظهور او را فراهم کنیم.

شاید دیده باشی بعضی هواپیماها کوچک هستند، مانند هواپیماهای سم پاشی که برای سم پاشی و از بین بردن آفت ها در مزرعه ها استفاده می شود که برای بلند شدن از زمین یا فرود آمدن آن، در کنار مزرعه یک باند مثلاً دویست متری برای آن می سازند که همین اندازه باند برای فرود آن کافی است؛ امّا اگر هواپیما خیلی بزرگ باشد چطور؟

حتماً خواهید گفت برای فرود آن هواپیما یک باند فرود چند کیلومتری محکم، مطمئن و مستقیم می خواهد تا به سلامت بر زمین بنشیند.

این مثال را بدین جهت بیان کردم که بدانی ظهور امام زمان علیه السلام همانند نشستن و فرود آن هواپیمای بزرگ است که باید زمینه ها و بستر ظهور آن حضرت فراهم شود که قسمتی از این به دست ماهاست که یارانی فداکار و نیکوکار و صالح شویم تا زمینه ظهور جهانی آن حضرت علیه السلام فراهم گردد.

ص:۵۹

ما باید سعی کنیم از گناهان که ظهور امام مهدی علیه السلام را به تأخیر می اندازد، دوری کنیم و هم خودمان اهل خوبی ها باشیم و هم دیگران را به خوبی ها دعوت کنیم و زیاد برای ظهورش زیاد دعا کنیم که خود امام زمان علیه السلام فرمودند: «أَکثِروا الدُّعاءَ لِتَعجیلِ الفَرَجِ»(۱) یعنی برای هر چه زودتر آمدن من، بسیار دعا کنید.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۲۱، ح۴۹.

۱۸. آیا ممکن است کسی امام زمان علیه السلام را دوست نداشته باشد و از ظهور او ناراحت شود؟

چه قلب باصفا و مهربای داری، خدا کند هرچه بزرگ تر می شوی قبلت باصفاتر و نورانی تر شود و امام زمان علیه السلام به داشتن شیعیان و یارانی مانند تو، بر فرشتگان به خود ببالد و بر خود افتخار کند.

این که پرسیده ای آیا ممکن است امام زمان علیه السلام را کسی دوست نداشته باشد، این پرسش از این جهت برایت پیش آمده که به قلب نازنین و گل خودت نگاه می کنی که به نظرت خیلی تعجب دارد که کسی، نازنینی مثل امام زمان علیه السلام را که نفع او مانند خورشید به همه می رسد و با همه مهربان است را دوست نداشته باشد، اما دوست خوبم این را بدان که بعضی آن قلب پاک و گلستانی و معطر تو را ندارند، برای این که بهتر مطلب را متوجه شوی به این مثال دقت کن:

خورشید بر تمام موجودات زمین می تابد و نورش را به همه می رساند، حال این نور خورشید اگر بر گُلی یا گُلستانی بتابد شما فکر می کنید چه اتفاقی می افتد؟

درست است، بوی گل، تمام فضا و هوای اطراف گل و باغ را عطرآگین خواهد کرد، اما اگر جایی آشغالی ریخته شده باشد و نور خورشید بر آن

بتابد چه اتفاقی می افتد؟

بله، هر چه خورشید بیشتر بر آن بتابد بوی بد آن بیشتر می شود.

بنابراین، اگر کسی همانند تو، قلبی داشته باشد که پر است از خوبی ها و صفات نیک که وجودش را همانند گلستانی کرده، مشخص است امام زمان علیه السلام که بر آن بتابد، معطر و نورانی شده و حتی نیکی ها و صفات خوب در آن هم که غنچه بوده، باز می شود و رو به خورشید می کند.

اما اگر کسی قلب خود را همانند سطل زباله، پر از گناه و ظلم کرده باشد، مانند سران اسرائیلی و آمریکایی، معلوم است که از ظهور امام زمان علیه السلام ناراحت می شوند، چون حضرت مهدی علیه السلام هویت و حقیقت آن ها را آشکار خواهد کرد و بوی بد آن ها را تمام جهانیان خواهند فهمید، به همین خاطر، آن ها هم امام زمان علیه السلام را دوست ندارند. ظهور امام زمان علیه السلام همانند طلوع خورشید است، چه کسانی از طلوع خورشید ناراحت می شوند؟ کسانی که می خواهند از تاریکی شب استفاده کنند و مال مردم را بدزدند و یا خفاش صفت هایی که تاریکی شب را وسیله شکار خود قرار می دهند، این چنین افرادی از طلوع خورشید، چون پایان کارشان است ناراحت می شوند، بدین خاطر که می دانند امام زمان علیه السلام با همه ستمگران و ظالمان مبارزه می کند و مردم محروم و بیچاره را از دست آن ها نجات می دهد، از ظهور و آمدن او ناراحت می شوند.

ص:۶۲

۱۹. خیلی دوست دارم امام زمان علیه السلام ظهور کنند، آیا خود آن حضرت علیه السلام نیز دوست دارند ظهور کنند؟

آیا تا به حال شده است که یک روز صبح به امام زمانت به عنوان پدر سلام کنی؟

شاید تعجب کنی که چرا این سؤال را پرسیدم! اما تعجب نکن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من و علی دو پدر برای این امت هستیم. امام زمان علیه السلام نیز همانند اجدادشان همانند پدری مهربان برای ما هستند، به همین خاطر از فردا صبح یا هر موقع دیگر می توانی به امام زمان علیه السلام به عنوان پدر سلام کنی و با هر لقب از آن حضرت علیه السلام را که دوست داری با همان لقب به او سلام دهی.

بگویی: السلام علیک یا بقیه الله.

وقتی امام زمان علیه السلام را مثل پدر دانستی، او را از خودت جدا نمی دانی و میان خود و او فاصله احساس نمی کنی و اگر این رابطه و پیوند زیاد شود و ادامه یابد هر چه او دوست داشته باشد، تو نیز دوست داری و هر چه را او دوست ندارد تو نیز دوست نخواهی داشت.

پس این که پرسیده ای امام زمان علیه السلام همانند من دوست دارد ظهور کند یا

ص:۶۳

نه؟ می خواهم به تو بگویم که اول او دوست دارد که ظهور کند که تو نیز دوستدار این شده ای که امامت هر چه زودتر ظهور کند، یعنی او بیشتر از تو منتظر ظهور است.

اعضای خانواده ای که می خواهند به مهمانی بروند، پدر زودتر از همه لباس و کفش خود را می پوشد و آماده می شود و ماشین را روشن می کند و سر کوچه منتظر آمدن بچه هایش می شود، اما در خانه یکی از بچه ها دنبال کفشش می گردد، دیگری دنبال جوراب است و....

در اینجا پدر آماده و منتظر آمدن بچه هایی است که هنوز آماده نشده اند. پس ای عزیز بدان که امام زمانت آماده آماده برای ظهور است.

خدای مهربان برای هدایت و سعادت مردم، پیامبران و امامان را به میان مردم می فرستد و دوست دارد که آن ها در میان مردم حضور داشته باشند، نسبت به حضور امام زمان علیه السلام نیز چنین است و همان طور که خود انبیا و امامان نیز دوست داشتند در جمع مردم باشند و آن ها را هدایت کنند و راه سعادت و خوشبختی را به آن ها نشان دهند و با این که مردم بسیار آن ها را آزار و اذیت می کردند با این حال در میان مردم بودند، امام زمان علیه السلام نیز دوست دارند خداوند اجازه ظهور به ایشان بدهند و به صورت عادی مانند امامان دیگر در میان مردم باشند و با مردم گفتگو و صحبت نمایند و با کمک آن ها حکومت عدل مهدوی را در سرتاسر جهان اجرا نمایند و همان گونه که گفته شد ما هم باید برای ظهور او بسیار دعا کنیم

ص:۶۴

و افزون بر دعا، باید خود را برای ظهور آن حضرت آماده کنیم.

۲۰. برنامه های امام زمان علیه السلام هنگام ظهور چیست و چه کارهایی انجام می دهند؟

از صفات و ویژگی هایی که یک شیعه و دوستدار امام زمان علیه السلام باید داشته باشد، اهمیت دادن به علم و دانش است. یعنی امام زمان علیه السلام دانش آموزی که در راه یادگیری علم و دانش، کوشش می کند را بسیار دوست دارد، به ویژه اگر این تلاش در راه یادگیری قرآن باشد.

دانش آموزان عزیز، قرآن کتاب درسی همه انسان ها و ما مسلمان هاست که همه باید آن را یاد بگیرند و به آن عمل کنند، اما چه کسی می تواند به طور کامل قرآن را به ما آموزش دهد؟

شما در کلاس درس دو چیز می بینید: یکی معلم و دیگری کتاب.

اگر دانش آموزان به مدرسه بروند و کتاب نداشته باشند، معلم نمی تواند درس بدهد و همه به طور مساوی و یکنواخت درس را متوجه شوند و هم چنین اگر کتاب باشد ولی معلم نباشد، چیزی از درس نمی فهمند، پس برای کلاس، هم معلم لازم است و هم کتاب.

آیا قرآن که کتاب درسی ما مسلمان هاست، به معلم نیاز ندارد؟

مشخص است هر کتاب درسی را که کسی یا گروهی برای

ص:۶۶

دانش آموزان نوشته اند، به معلم نیاز دارد تا آن را درست و هماهنگ به دانش آموزان بیاموزند، حال چطور قرآن که کتاب خداست، به معلم نیاز نداشته باشد.

امامان ما، چون نزدیک ترین انسان ها به خدا هستند، معلم کتاب خدا یعنی قرآن می باشند؛ بنابراین، اولین معلم قرآن، خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند و به همین ترتیب بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امامان علیهم السلام، قرآن را به مردم یاد دادند.

ظهور امام زمان علیه السلام یعنی دوباره این معلم سرکلاس می آید و برنامه های قرآن را به طور یک نواخت و هماهنگ به همه آموزش می دهد؛ بنابراین، یکی از برنامه های امام زمان علیه السلام هنگام ظهور، بیان و آموزش دستورهایی قرآن برای همه است.

دوستان عزیز، الان قرآن در متن زندگی ما نیست و آن را فراموش کرد ه ایم. هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور می کنند قرآن را از غربت و تنهایی و فراموشی در می آورند و در مسجدها، چادرهایی زده می شود که در آن قرآن را آموزش می دهند و مردم به آن عمل می کنند.

اخلاق زشت و پَست از جامعه دور می شود و مردم دارای اخلاق خوب و کامل می شوند. انسان ها براساس عقل رفتار می کنند و از جهل و نادانی خارج می شوند و امام زمان علیه السلام مردم را از علم و دانایی بهره مند می سازد. علم و دانش ۲۷ حرف است که آن چه همه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و امام زمان علیه السلام ۲۵ حرف دیگر را می آورد و میان مردم

گسترش می دهد.

از آسمان باران می بارد و زمین گیاهانش را می رویاند و تمام گنج های زمین آشکار می گردد و دیگر هیچ فقیر و نیازمندی وجود ندارد.

همه جا آباد و سرسبز شده و ریشه ظلم و ستم کنده می شود و هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند و دوستی واقعی و حقیقی در آن زمان می باشد و همه در امنیت و سلامتی و به دور از بیماری ها در سلامت و تندرستی زندگی می کنند.

ص:۶۸

پرسش های سه گزینه ای

۱. نقش امام در جامعه همانند نقش...... در بدن است.

الف: قلب ب: دست ج: پا

۲. امام زمان علیه السلام همانند کدام پیامبر مخفیانه به دنیا آمد؟

الف: زکریا علیه السلام ب: سلیمان علیه السلام ج: موسی علیه السلام

۳. امام زمان علیه السلام در چند سالگی به امامت رسیدند؟

الف: چهارسالگی ب: پنج سالگی ج: نه سالگی

۴. کدام یک از امامان همانند امام زمان علیه السلام در کودکی به امامت رسیدند؟

الف: امام جواد علیه السلام ب: امام هادی علیه السلام ج: الف و ب

۵. مقام امامت توسط چه کسی تعیین و انتخاب می شود؟

الف: خدا ب: مردم ج: انتخابات

۶. کدام یک از پیامبران در کودکی به پیامبری رسیدند؟

الف: ابراهیم علیه السلام و اسحاق علیه السلام ب: ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام ج: عیسی علیه السلام و یحیی علیه السلام

۷. کدام پیامبر مدتی از دیدگان اطرافیانش غایب شد؟

الف: یوسف علیه السلام ب: زکریا علیه السلام ج: نوح علیه السلام

ص:۶۹

۸. کدام پیامبر در فراق و دوری فرزندش که او نیز پیامبر بود، بینایی چشم خود را از دست داد؟

الف: یعقوب علیه السلام ب: یوسف علیه السلام ج: ایوب علیه السلام

۹. چه چیز میان یعقوب علیه السلام و یوسف علیه السلام جدایی انداخت؟

الف ــ ظلم و ستم برادرانش ب: دشمنان ج: خود یوسف علیه السلام دوست داشت

۱۰. خطا و اشتباه گذشتگان یکی از دلایل..... امام زمان علیه السلام می باشد.

الف: حکومت ب: غیبت ج. امامت

۱۱. امام زمان علیه السلام در زمان غیبت به........ تشبیه شده است.

الف: ماه شب چهارده ب: باد بهاری ج: خورشید پشت ابر

۱۲. بهترین عمل در زمان غیبت امام مهدی علیه السلام چیست؟

الف: دعا کردن ب: انتظار فرج ج: صدقه دادن

۱۳. امام زمان علیه السلام در طول عمر شبیه کدام پیامبر است؟

الف: ابراهیم علیه السلام ب: سلیمان علیه السلام ج: نوح علیه السلام

۱۴. حدیث از کدام امام علیه السلام است؟ امام، رفیق و همنشینی همیشگی و همراه است، او پدری مهربان و برادری واقعی است.

الف: امام علی علیه السلام ب: امام حسین علیه السلام ج: امام رضا علیه السلام

۱۵. این حدیث از کیست؟ من هرگز شما را فراموش نمی کنم و به یاد شما هستم.

الف: امام مهدی علیه السلام ب: امام حسن علیه السلام ج: امام جواد علیه السلام

ص:۷۰

۱۶. به فرموده امام زمان علیه السلام چه عملی، بینی شیطان را به خاک می مالد؟

الف: روزه ب: حج ج: نماز

۱۷. رابطه انسان منتظِر با امام زمان علیه السلام همانند................ به خورشید است.

الف: گل آفتاب گردان ب: گل نرگس ج: گل لاله

۱۸. امام مهدی علیه السلام همانند...... هدایت و راهنمایی در مسیر زندگی انسان هاست.

الف: پرچم ب: ماه ج: درخت

۱۹. چه چیز ظهور امام زمان علیه السلام را به تأخیر می اندازد؟

الف: کارهای خوب ب: گناهان ج: پیشرفت علم

۲۰. برای ظهور جهانی امام زمان علیه السلام نیاز به............ است.

الف: یارانی فداکار و صالح ب: پیشرفت علم ج: ظالمان و ستمگران

۲۱. چه کسانی از ظهور امام زمان علیه السلام ناراحت می شوند؟

الف: مردم فقیر و مستضعف ب: مردم مسیحی و یهودی ج: ظالمان و ستمگران

۲۲. علم و دانش ۲۷ حرف است، چند حرف از آن در زمان ظهور امام زمان علیه السلام آشکار می شود؟

الف: ۲۵ ب: ۲ ج:۱۴

ص:۷۱

ـ ((پاسخنامه)) ـ

الف

ب

ج

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

ص:۷۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹